

Analyzing the Status of Implementing the General Policies of Population: from 2011 to 2019



* **Vahid Shaghghi Shahri**¹ , **Asra Karim**² 

1. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Tehran, Iran

2. MA of Indian Studies, Faculty of World Studies, Tehran University, Tehran, Iran



Citation: Shaghghi Shahri, V., & Karim, A. (2021). [Analyzing the Status of Implementing the General Policies of Population: from 2011 to 2019]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 9 (2), 298-327. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2020.245435.2117>

 <https://doi.org/10.30507/JMSP.2020.245435.2117>

 20.1001.1.23452544.1400.9.34.3.1



Funding: See Page 326

Received: 25/08/2020

Accepted: 14/11/2020

Available Online: 22/06/2021

Article Type: Research paper

Key words:

General policies;
population; analysis;
goals.

ABSTRACT

The general policies of population are one of the main general policies which consist of 14 clauses issued by the supreme leader in 2014. In the general policies, on the one hand, the focus is on dynamicity, activity, and the young people of current population as an opportunity, and it is indicated that population is a factor in the development of the country. On the other hand, the policies focus on the compensation of reducing population and fertility rate. The aim of this paper is to analyze implementing the general policies of population from 2011 to 2019 based on the combined index. The findings show that the general policies of population were not implemented successfully, and the combined index had a reducing trend from 2011 to 2019. Accordingly, the authorities should consider serious planning and resolving the problems of implementing the fourteen-dimensional policies.

JEL Classification: J13, J12.

* Corresponding Author:

Vahid Shaghghi Shahri, PhD

Address: Kharazmi University, Tehran

Tel: +98 (912) 8181740

E-mail: vahidshaghghi@yahoo.com

ارزیابی وضعیت اجرای سیاست‌های کلی جمعیت (دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸)

* وحید شقاقی شهری^۱، اسراء کریم^۲

۱. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
 ۲. کارشناسی ارشد مطالعات هند، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران



20.1001.1.23452544.1400.9.34.3.1

چکیده

تاریخ دریافت: ۴ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۴ آبان ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۱ تیر ۱۴۰۰

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

کلیدواژه‌ها:

سیاست‌های کلی،
 جمعیت، سنجش،
 اهداف کلان.

سیاست‌های کلی جمعیت یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلی نظام است که در قالب ۱۴ بند به تاریخ اردیبهشت ۱۳۹۳ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ گردید. در این سیاست‌های کلی، از یک سو بر پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به‌منزله فرصت و امتیاز تأکید و تصریح شده که عامل جمعیت‌داری نقش ایجابی در پیشرفت کشور است. از سوی دیگر بر جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری سال‌های گذشته تأکید شده است. هدف مقاله حاضر ارزیابی و سنجش وضعیت اجرای سیاست‌های کلی جمعیت طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ بر پایه ساخت شاخص ترکیبی است. نتایج پژوهش حکایت از عدم تحقق اهداف کلان سیاست‌های کلی جمعیت و روندی کاهنده در شاخص ترکیبی برآورده‌شده طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ دارد. از این رو ضرورت دارد مسئولان کشور با جدیت به برنامه‌ریزی و رفع موانع تحقق سیاست‌های چهارده‌گانه بپردازند.

طبقه‌بندی JEL: J12, J13.

* نویسنده مسئول:

دکتر وحید شقاقی شهری

نشانی: تهران، دانشگاه خوارزمی

تلفن: ۰۹۸ (۹۱۲) ۸۱۸۱۷۴۰+

پست الکترونیک: vahidshaghghi@yahoo.com

۱. مقدمه

تحلیل روند و سیاست‌های جمعیتی در کشور حکایت از آن دارد که در دهه ۶۰ کشور شاهد نرخ رشد و نرخ باروری کل بالا و چشمگیری بوده؛ به طوری که نرخ باروری کل کشور در سال ۱۳۶۵ معادل ۷،۱ و نرخ رشد جمعیت معادل ۳،۹ درصد بوده است. با این حال، طی سرشماری در دهه‌های بعد، این روند کاهنده و نگران‌کننده شده؛ به گونه‌ای که نرخ باروری کل کشور به ۲،۹۶ در سال ۱۳۷۵، ۱،۹ در سال ۱۳۸۵، ۱،۸۷ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته و در سال ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (سال ۱۳۹۳) نرخ باروری کل ۲،۰۳ ثبت شده و در سال‌های پس از ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب ۲،۰۹، ۲،۱۱، ۲،۱ و در سال ۱۳۹۸ به ۱،۸ تنزل یافته است. نرخ رشد جمعیت نیز سال ۱۳۷۵ معادل ۱،۹ درصد، سال ۱۳۸۵ معادل ۱،۶ درصد، سال ۱۳۹۰ معادل ۱،۳ درصد و سال ۱۳۹۵ معادل ۱،۲۴ درصد شده که نشان‌دهنده روندی کاهنده در نرخ رشد جمعیت است. این افت شاخص‌های جمعیت بسیار نگران‌کننده بوده و هشدار جدی برای سال‌های آینده محسوب می‌شود. از این جهت، طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی که رهبری مسئولیت تعیین و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام را عهده‌دار هستند، ایشان در اردیبهشت ۱۳۹۳ سیاست‌های کلی جمعیت را، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلی نظام، در قالب ۱۴ بند ابلاغ کردند. در این سیاست‌های کلی، از یک سو بر پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به‌عنوان فرصت و امتیاز تأکید و تصریح شده که عامل جمعیت‌دارای نقش ایجابی در پیشرفت کشور است. از سوی دیگر بر جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری سال‌های گذشته تأکید شده است.

هدف مقاله حاضر ارزیابی وضعیت اجرای سیاست‌های کلی جمعیت براساس ساخت شاخص ترکیبی است. لذا با بهره‌گیری از روش‌شناسی ساخت شاخص ترکیبی، روند اجرای سیاست مزبور طی دوره ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ ارزیابی و سنجش شده است. ساختار مقاله بدین صورت است: نخست تجربه کشورهای منتخب جهان در سیاست‌های جمعیتی و تشویق فرزندآوری و سپس چارچوب نظری ساخت شاخص‌های ترکیبی به روش فاصله از مرجع آورده شده است. در ادامه برآورد شاخص ترکیبی وضعیت اجرای سیاست‌های کلی جمعیت و درنهایت جمع‌بندی و پیشنهاد‌های سیاستی بیان شده است.

۲. پیشینه تحقیق: مروری بر تجربه کشورهای منتخب جهان در سیاست‌های جمعیتی و تشویق فرزندآوری

در این بخش، تجربه سیاست‌گذاری در برخی کشورهای منتخب که با مشکلات متعدد جمعیتی مواجه‌اند، خلاصه‌وار ذکر شده است. در اکثر کشورهای اشاره‌شده در ذیل، برخی سیاست‌های مهم و کلیدی برای تشویق فرزندآوری اعمال شده است؛ از جمله اعطای جایزه

فرزندآوری، اعتبار مالیاتی فرزند، یارانه‌های دولتی متنوع برای خانوارهای پُرجمعیت، مزایای تأمین مسکن و تخفیفات مختلف برای تشویق جمعیت (احمدی و شقاقی شهری، ۱۳۸۷).

۱. سیاست‌های جمعیتی اعمال شده در ژاپن:

- تعیین مقرری حق اولاد؛

- طرح فرشته: افزایش تعداد مراکز مراقبت روزانه و تسهیل قوانین و مقررات مراکز مراقبت از کودک؛

- قانون مرخصی مراقبت از کودک و خانواده و تسهیل فرایند بازگشت به کار برای زنان شاغل پس از فرزندآوری.

۲. سیاست‌های جمعیتی اعمال شده در روسیه:

- مرخصی با حقوق برای مادر و افزایش آن از یک سال به سه سال؛

- طرح «سرمایه مادر» از ابتدای سال ۲۰۰۷ م شامل حواله به ارزش حدود ۷۵۰۰ دلار به‌منظور تهیه مسکن، تحصیل کودکان و پوشش بخشی از سیستم ذخیره پول برای پرداخت حقوق بازنشستگی به مادران؛

- پرداخت‌های ماهیانه: پرداخت ۱۰۰ درصد حقوق در دوران مرخصی زایمان به مدت ۱۴۰ روز بعد از تولد کودک، پرداخت در دوران تربیت فرزند؛

- پرداخت‌های یک‌باره: بسته‌های حمایت اولیه از کودک و مادر (پرداخت مبلغی بین ۲۲۰ تا ۲۸۰ دلار به مادر)، اعطای یک قطعه زمین در حاشیه شهر محل اقامت در صورت تولد و یا پذیرش فرزند سوم، طرح سرمایه مادری؛

- یارانه‌های دولتی: یارانه خدمات درمانی، بسته یارانه دولتی برای تغذیه سالم مادر و کودک تا سه‌سالگی، استراحتگاه‌های دولتی برای کودکان خانواده‌های پُرفرزند تا شانزده‌سالگی، حمل‌ونقل عمومی رایگان اعضای خانواده‌های پُرفرزند، تأمین بین ۳۰ تا ۵۰ درصد هزینه‌های شارژ ساختمان خانواده‌های پُرفرزند، بیمه درمانی رایگان و داروی رایگان خانواده‌های پُرفرزند؛

- یارانه‌های دولتی: لباس فرم مدرسه و لباس ورزشی رایگان کودکان خانواده‌های پُرفرزند تا دوازده‌سالگی، لوازم‌التحریر رایگان رایگان خانواده‌های پُرفرزند، بازنشستگی پیش از موعد (پنجاه‌سالگی و پنج سال زودتر) برای مادران دارای پنج فرزند؛

• گواهی‌های دولتی: ارائه گواهی دولت به مادران شامل گواهی مراجعه به مشاور دوران بارداری، مراجعه به زایشگاه، کلینیک درمانی کودکان؛

• بسته‌های حمایتی فدرال: پرداخت مبلغی به صورت یک بار و بر مبنای میزان حداقل هزینه لازم برای زندگی فرد در آن منطقه فدرال و میزان تورم، در قالب بسته‌های حمایتی در زمان تولد فرزند سوم و فرزندان بعدی توسط مناطق فدراسیون روسیه؛

• حمایت‌های بانکی و مالیاتی: کاهش نرخ سود وام مسکن برای خانواده‌های پُرفرند از ۱۰ درصد به ۶ درصد؛ معافیت مالیات بر درآمد خانواده‌های پُرفرند.

۳. سیاست‌های جمعیتی اعمال شده در انگلستان:

• اعتبار مالیاتی فرزند؛

• اعتبار مالیاتی کارگران: اعتبار مراقبت از هر کودک با پوشش ۷۰ درصد هزینه‌های مراقبتی، مقدار این معافیت در هفته برای خانواده‌های تک‌فرزند ۱۷۵ پوند و برای خانواده‌های دو یا چند فرزند ۳۰۰ پوند است.

• اعطای مزایا به فرزندخواندگی؛

• مرخصی با حقوق قانونی بارداری، والدین و فرزندخواندگی؛

• کمک‌هزینه بارداری؛

• هدیه مادر شدن با اطمینان (هدیه اجاره رحم، هدیه بارداری سه‌قلو...)

• حمایت بر درآمد (حمایت از افراد نیازمند و تک‌والد با وجود فرزند زیر پنج سال)؛

• مزایای مسکن.

۴. سیاست‌های جمعیتی اعمال شده در آلمان:

• آغاز طرح پرداختی والدین و جایگزینی آن با طرح کمک‌هزینه تربیت فرزند؛

• معافیت‌های مالیاتی دوسوم هزینه‌های مراقبت از کودک؛

• آغاز طرح کمک‌هزینه اضافی؛

• ۵۰ درصد افزایش در کمک‌هزینه خرید خانه؛

- مجموعه‌ای از تخفیفات مالیاتی و سایر کمک‌هزینه‌ها؛
- رویکرد سیاست حمایت از خانواده: اعطای مرخصی بارداری و زایمان، مرخصی تربیت و نگهداری فرزند، درمان ناباروری، مشاوره خانواده، کنترل طلاق، کمک‌هزینه مسکن، اعطای یارانه فرزندآوری.

۵. سیاست‌های جمعیتی اعمال شده در استرالیا:

- استرداد مالیات اولین کودک، مزایای مالیات خانواده، مزایای مراقبت از کودک؛
- آغاز سیاست پرداخت مادری/ جایزه نوزاد (۴ هزار دلار)، افزایش مزایای مالیات خانواده، توقف استرداد مالیات اولین کودک؛
- آغاز تخفیف مراقبت از کودک (از ۳۰ درصد تا سقف ۴ هزار دلار در سال)؛
- افزایش مزایای مراقبت از کودک.

۶. سیاست‌های جمعیتی اعمال شده در امریکا:

- فاقد سیاست جمعیتی فعال به‌منظور افزایش باروری است؛ اما با هدف کاهش هزینه‌های فرزندآوری و کمک به رفاه خانواده‌های دارای فرزند، سیاست‌های تخفیف مالیاتی مانند «اعتبار مالیاتی کودک» را اتخاذ کرده است؛
- مهاجرپذیری مدیریت شده؛
- مخالف سیاست‌های جمعیتی اجباری.

۳. چارچوب نظری؛ ساخت شاخص‌های ترکیبی به روش فاصله از مرجع

شاخص‌ها و نماگرهای ترکیبی از مؤثرترین ابزارهای ارزیابی عملکرد در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی هستند. از این رو تعداد شاخص‌های ترکیبی روزبه‌روز در حال افزایش است؛ به‌طوری که تا سال ۲۰۱۳ م قریب به ۱۶۰ شاخص ترکیبی در سراسر دنیا مورد استفاده قرار گرفته است (Bandura, 2014). در حال حاضر، OECD^۱ و JRC^۲ اصلی‌ترین متولیان ترویج استفاده از شاخص‌های ترکیبی هستند. به‌صورت خلاصه چارچوب نظری و مراحل ساخت این شاخص‌ها به این ترتیب است:^۳

1. Organization for Economic Co-operation and Development
2. European Commission-Joint Research Centre

۳. مطالب این بخش برگرفته از (Handbook on Constructing Composite Indicators (2014) است.

گام اول، چارچوب نظری:

به‌عنوان اولین و پایه‌ای‌ترین گام، باید در ابتدا چارچوب نظری مناسب را برای فراهم آوردن بنیان انتخاب و یا ترکیب نماگرهای منفرد در یک نماگر ترکیبی معنادار شکل داد.

گام دوم، انتخاب متغیرها:

نقاط قوت و ضعف شاخص‌های ترکیبی عمدتاً ناشی از کیفیت متغیرهای اصلی است. نوع متغیرهای انتخاب‌شده، نماگرهای ورودی و خروجی، و نماگرهای طی فرایند باید با تعریف قرارداده‌شده در نماگر ترکیبی سازگار شوند.

گام سوم، انتساب داده‌های گم‌شده:^۴

داده‌های گم‌شده معمولاً مانع از ایجاد و بسط نماگرهای ترکیبی قدرتمند می‌شوند. سه روش کلی برای حل مشکل داده‌های گم‌شده وجود دارد: ۱. حذف مورد، ۲. انتساب منفرد، ۳. انتساب چندگانه.

گام چهارم، تحلیل چندمتغیره:

گاهی اوقات نماگرهای منفرد به‌صورت دل‌خواه انتخاب می‌شوند و در گزینش آن‌ها توجه چندانی به روابط بینشان نمی‌شود. بنابراین اطلاعات باید در دو بُعد از مجموعه داده‌ها، یعنی نماگرهای منفرد و گروهی، تحلیل و گروه‌بندی شوند که برای این منظور از روش‌های مختلف آماری نظیر تجزیه به مؤلفه‌های اصلی (PCA)^۵، تحلیل خوشه‌ای^۶ و تجزیه عاملی (FA)^۷ استفاده می‌شود. تکنیک آماری تجزیه عاملی (FA) روش آماری ساده و متعارف است که غالباً برای بررسی گروهی از متغیرهای هم‌بسته به‌کار می‌رود. در مقاله حاضر، از این روش بهره گرفته شد.

گام پنجم، نرمال‌سازی^۸ داده‌ها:

نرمال‌سازی قبل از هرگونه تجمیع داده‌ها جهت ایجاد نماگر روی مجموع داده‌ها که واحدهای اندازه‌گیری متفاوتی دارند، مورد نیاز است. تعدادی از روش‌های نرمال‌سازی

-
4. missing data
 5. Principal Component Analysis
 6. Cluster Analysis
 7. Factor Analysis
 8. normalization

عبارت‌اند از: رتبه‌بندی^۹، استانداردسازی (Z-scores)، روش حداقل - حداکثر (Min-Max)، روش مقیاس‌گذاری طبقه‌های^{۱۰} و روش فاصله از یک مرجع^{۱۱}. مبنای نرمال‌سازی برای ساخت شاخص ترکیبی در این مقاله، روش فاصله از مرجع است. این روش جایگاه نسبی یک نماگر را در مقایسه با یک نقطه مرجع اندازه می‌گیرد. برای ارزیابی موفقیت نسبی کشورها در دستیابی به اهداف غالباً از این روش نرمال‌سازی استفاده می‌شود (Handbook on Constructing Composite Indicators, 2014). این مسئله می‌تواند هدفی برای دستیابی به یک چارچوب زمانی باشد. برای مثال پروتکل کیوتو کاهش ۷ درصدی آلودگی گازکربنیک را برای اعضای اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۱۰ م به‌مثابه هدف در نظر گرفته است. در این حالت، مرجع می‌تواند یک کشور به‌عنوان مقیاس باشد. کشور مرجع ممکن است کشوری باشد که نقش رهبر گروهی از کشورها را ایفا کند که در آن کشور مذکور، عدد ۱ و دیگر کشورها مقدار عددی (به درصد) دوری از رهبر را به خود اختصاص می‌دهند.

گام ششم، وزن‌دهی و تجمیع‌سازی^{۱۲}:

در تهیه شاخص‌های ترکیبی گاهی لازم است تا وزن و درجه‌ای از اهمیت برای هر یک از نماگرها و شاخص‌های انفرادی در ایجاد شاخص ترکیبی محاسبه شود. برخی از انواع معروف این روش‌های وزن‌دهی عبارت‌اند از: فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، تحلیل عاملی (FA)، روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)^{۱۳}، مراجعه به افکار عمومی (خرد جمعی) و تحلیل توأم (CA)^{۱۴}. در خصوص روش‌های تجمیع^{۱۵} نیز یکی از ساده‌ترین روش‌ها، محاسبه رتبه‌های هر کشور با توجه به شاخص‌های منفرد و جمع کردن رتبه‌های منتج است.

گام هفتم، تحلیل مقاومت^{۱۶} و حساسیت^{۱۷}:

تحلیل حساسیت برای ارزیابی قدرت نماگرهای ترکیبی به کار می‌رود. از این راهکارها برای ارزیابی عدم قطعیت^{۱۸} استفاده می‌شود: ۱. حذف یا در نظر گرفتن نماگرهای منفرد؛ ۲. مدل‌سازی خطای داده‌ها؛ ۳. انتساب‌های منفرد یا چندگانه؛ ۴. به‌کارگیری روش‌ها و طرح‌های مختلف

9. Ranking of indicators across countries

10. Categorical Scales

11. Distance to a Reference Country

12. weighting and aggregation

13. Data Envelopment Analysis

14. Conjoint Analysis

15. Aggregation Method

16. robustness analysis

17. sensitivity analysis

18. uncertainties

نرمال‌سازی داده‌ها؛ ۵. به‌کارگیری روش‌های مختلف وزن‌دهی؛ ۶. به‌کارگیری سیستم‌های مختلف جمع‌سازی مانند خطی، میانگین هندسی و مرتب‌سازی چندمعیاره.

گام هشتم، نمایش و انتشار:^{۱۹}

نماگرهای ترکیبی و جزئیات آن به روش‌های مختلف نظیر نمودار، جدول، تار عنکبوتی و... نمایش داده می‌شود.

۴. برآورد شاخص ترکیبی وضعیت اجرای سیاست‌های کلی جمعیت

برای هر یک از سیاست‌های کلی جمعیت (۱۴ سیاست کلی) شاخص‌های کلیدی هدف‌محور (محورهای فرعی)، پایش سیاست کلی با اوزان اثرگذاری بر تحقق سیاست معرفی شده است؛ سپس طبق آمار و اطلاعات رسمی کشور، وضعیت تحقق اهداف هر کدام از ۱۴ سیاست کلی جمعیت ارزیابی شده و در پایان برپایه ساخت شاخص ترکیبی، سنجش نهایی مجموع ۱۴ سیاست جمعیت صورت گرفته است.

سیاست کلی اول: ارتقای پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی

شاخص‌های کلیدی خروجی محور (محورهای فرعی) پایش سیاست کلی اول به شرح زیر است:

جدول ۱. محورهای فرعی مؤثر سنجش سیاست اول

شاخص	اوزان محورها ^{۲۰}	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	۰,۲	مثبت	سهم جمعیت جوان از کل جمعیت کشور
۲	۰,۴	مثبت	نرخ باروری (باروری سطح جانشینی)
۳	۰,۲	مثبت	میزان مولید
۴	۰,۲	مثبت	توسعه انسانی

19. presentation and dissemination

۲۰. این اوزان در قالب نظرسنجی از ده صاحب‌نظر جمعیت‌شناسی و اقتصادی و به روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) که همان مقایسه زوجی مؤلفه‌هاست، حاصل گردید. در این روش، ابتدا طی پرسش‌نامه‌ای نظرات صاحب‌نظران در خصوص مقایسه زوجی محورهای فرعی اخذ شد و مقادیر نشانگر ارجحیت (در قالب طیف لیکرت) انتساب داده شد. سپس ماتریس مربع ۸ سطر - ستونی تشکیل شد و اوزان هر محور فرعی محاسبه گردید.

شاخص اول، سهم جمعیت جوان از کل جمعیت کشور: سهم جمعیت جوان (۱۵ تا ۲۹ سال) از ۲۶,۴ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۲۸,۴ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۳۵,۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. سپس روند کاهشی داشته و به ۳۱,۵ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. این شاخص در سال ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (سال ۱۳۹۳) به ۲۷,۶ درصد کاهش یافته و در سال‌های پس از ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب ۲۶,۳ درصد، ۲۵,۱ درصد، ۲۳,۹ درصد، ۲۲,۹ درصد و در سال ۱۳۹۸ به ۲۲ درصد کاهش یافته است.

شاخص دوم، نرخ باروری کل: نرخ باروری کل کشور از ۷,۱ در سال ۱۳۶۵ به ۲,۹۶ در سال ۱۳۷۵، ۱,۹ در سال ۱۳۸۵، ۱,۸۷ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. در سال ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (سال ۱۳۹۳) نرخ باروری کل ۲,۰۳ بوده و در سال‌های پس از ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب به ۲,۰۹، ۲,۱۱، ۲,۱، ۲ و در سال ۱۳۹۸ به ۱,۸ تنزل یافته است. لذا نرخ باروری کل کشور طی دو سال اخیر (۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) از باروری سطح جانشینی ۲,۱ کمتر است.

شاخص سوم، تعداد و میزان مولید طی سال‌های اخیر: تعداد مولید ثبت شده در کشور در سال ۱۳۹۰ معادل ۱,۳۸۲,۲۲۹ و در سال ۱۳۹۳ (سال ابلاغ سیاست) برابر با ۱,۵۳۴,۳۶۲ رویداد بوده است. پس از سال‌های ابلاغ سیاست (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) نیز به ترتیب ۱,۵۷۰,۲۱۹، ۱,۵۲۸,۰۵۳، ۱,۴۸۷,۹۱۳، ۱,۳۶۶,۵۱۹ و در سال ۱۳۹۸ معادل ۱,۱۹۶,۱۳۲ رویداد بوده که حکایت از روند کاهشی مولید دارد. در ضمن میزان خام مولید (به‌ازای ۱۰۰۰ نفر جمعیت) در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۸,۸ درصد، در سال ۱۳۹۳ معادل ۲۰,۱ درصد و پس از سال‌های ابلاغ سیاست به ترتیب ۲۰,۳ درصد، ۱۹,۵ درصد، ۱۸,۸ درصد، ۱۷ درصد و در سال ۱۳۹۸ معادل ۱۴,۸ درصد بوده است. در مجموع آمار تعداد و میزان مولید در کشور حکایت از روند کاهشی طی سال‌های اخیر دارد.

شاخص چهارم، شاخص توسعه انسانی: شاخص توسعه انسانی کشور طی سال‌های اخیر روندی صعودی داشته؛ به‌طوری که امتیاز کشور در این شاخص در سال ۱۳۹۰ معادل ۰,۷۵۶ بوده و در سال ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (سال ۱۳۹۳) به ۰,۷۸۵ افزایش یافته و در سال‌های پس از ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب به ۰,۷۸۸، ۰,۷۸۹، ۰,۷۹۹، ۰,۷۹۹ و در سال ۱۳۹۸ با اندکی کاهش به ۰,۷۹۷ رسیده است.

سیاست کلی دوم: رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد

شاخص‌های کلیدی خروجی محور پایش سیاست کلی دوم به شرح زیر است:

جدول ۲. محورهای فرعی مؤثر بر سنجش سیاست دوم

شاخص	اوزان محورها	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	۰,۲	مثبت	نرخ خالص ازدواج
۲	۰,۱۶	مثبت	بُعد خانوار
۳	۰,۱۸	مثبت	نرخ رشد جمعیت
۴	۰,۱۳	منفی	نرخ بیکاری
۵	۰,۰۷	مثبت	نسبت شاغلان متأهل به کل شاغلان
۶	۰,۱۴	مثبت	دسترسی زوج‌های جوان به مسکن
۷	۰,۱۲	مثبت	نسبت تسهیلات اعطایی برای ازدواج به متوسط درآمد خانوار



شاخص اول، نرخ خالص ازدواج: نرخ خالص ازدواج (به‌ازای ۱۰۰۰ نفر جمعیت ایرانی بالای ۱۰ سال) در سال ۱۳۹۲ معادل ۱۲,۵ و در سال ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (سال ۱۳۹۳) معادل ۱۱,۷ بوده است. با این حال، طی سال‌های پس از ابلاغ سیاست، روندی کاهشی یافته و طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ به ترتیب ۱۰,۸، ۱۰,۳، ۹,۲۴، ۸,۲۷ و ۷,۸۶ شده است.

شاخص دوم، بُعد خانوار: متوسط تعداد افراد در خانوار کشور (بُعد خانوار) از ۵,۱ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۴,۸ نفر در سال ۱۳۷۵، ۴ نفر در سال ۱۳۸۵، ۳,۵ نفر در سال ۱۳۹۰ و به ۳,۳ نفر در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. تداوم کاهش شاخص بُعد خانوار ادامه داشته و در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب ۳,۶ و ۳,۲۴ نفر شده است.

شاخص سوم، نرخ رشد و نرخ رشد طبیعی جمعیت: نرخ رشد جمعیت در سال ۱۳۶۵ معادل ۳,۹ درصد، در سال ۱۳۷۵ معادل ۱,۹ درصد، در سال ۱۳۸۵ معادل ۱,۶ درصد، در سال ۱۳۹۰ معادل ۱,۳ درصد و در سال ۱۳۹۵ معادل ۱,۲۴ درصد بوده است که نشان از روندی کاهنده در نرخ رشد جمعیت دارد. درضمن نرخ رشد طبیعی جمعیت در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱,۳۱ درصد و در سال ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (سال ۱۳۹۳) معادل ۱,۴۳ درصد بوده و طی سال‌های پس از ابلاغ سیاست (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) روندی کاهشی یافته و به ترتیب ۱,۵۵ درصد، ۱,۴۸ درصد، ۱,۴ درصد، ۱,۲۴ درصد و در سال ۱۳۹۸ معادل ۰,۹۹ شده است.

شاخص چهارم، نرخ بیکاری جوانان:

• نرخ بیکاری جوانان در سال ۱۳۹۰ معادل ۲۶,۵ درصد و در سال ابلاغ سیاست‌های کلی (سال ۱۳۹۳) معادل ۲۵,۲ درصد و پس از ابلاغ سیاست‌ها (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب ۲۶,۱ درصد، ۲۹,۲ درصد، ۳۱,۹ درصد، ۲۷,۷ درصد و در سال ۱۳۹۸ معادل ۲۶ درصد شده است. در این روند، نشانی از بهبود وضعیت نرخ بیکاری جوانان پس از ابلاغ سیاست‌ها مشاهده نمی‌شود.

• آمارها حکایت از روند افزایشی نرخ بیکاری تحصیل‌کردگان مقطع کارشناسی ارشد (۱۷ درصد) و دکترا (نزدیک ۵ درصد) در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در مقایسه با سنوات گذشته دارد.

• سهم و نرخ بیکاری افراد با تحصیلات عالی (۱,۰۲۵۴,۰۵۰ نفر با نرخ بیکاری ۱۸,۱ درصد و سهم ۳۸,۵ درصدی بیکاران دارای تحصیلات عالی از کل بیکاران) روند افزایشی داشته است.

• نرخ بیکاری دانش‌آموختگان در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۹,۵ درصد و در سال ابلاغ سیاست‌های کلی (سال ۱۳۹۳) معادل ۱۸,۵ درصد و پس از ابلاغ سیاست‌ها (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب ۱۸,۳ درصد، ۲۰ درصد، ۱۹,۱ درصد، ۱۸,۱ درصد و در سال ۱۳۹۸ معادل ۱۶,۷ درصد شده است. روند شاخص حکایت از بهبود ملموس وضعیت نرخ بیکاری دانش‌آموختگان پس از ابلاغ سیاست‌ها ندارد.

شاخص پنجم، نسبت شاغلان متأهل به کل شاغلان: طبق آمار و اطلاعات مرکز آمار، نسبت شاغلان متأهل به کل شاغلان کشور (۱۵ سال به بالا) در سال ۱۳۹۰ معادل ۷۴,۳۹ درصد و در سال ابلاغ سیاست کلی (سال ۱۳۹۳) معادل ۷۷,۴ درصد بوده است. در سال‌های پس از ابلاغ سیاست، به ترتیب ۷۷,۲۲ درصد، ۷۶,۷۷ درصد، ۷۶,۳۵ درصد، ۷۷,۸۱ درصد و در سال ۱۳۹۸ معادل ۷۷,۱۹ درصد شاغلان کل کشور متأهل بوده‌اند.

شاخص ششم، دسترسی به مسکن: سهم سکونت در مسکن ملکی از ۶۷,۹ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۶۲,۷ درصد در سال ۱۳۹۰ و سپس به ۶۰,۶ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته و در مقابل سهم سکونت در مسکن رهنی و استیجاری از ۲۲,۹ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۶,۶ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۳۰,۸ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در ضمن آمارها حاکی از آن است که سهم مسکن در سبد هزینه خانوار شهری و روستایی طی ۲۰ سال گذشته تقریباً ثابت مانده؛ به طوری که برای یک خانوار شهری معادل یک سوم (۳۰ درصد) و برای خانوار روستایی کمتر از یک پنجم (بین ۱۵ تا ۱۸ درصد) هزینه‌های خانوار بوده است.

شاخص هفتم، نسبت تسهیلات اعطایی برای ازدواج به متوسط درآمد خانوار: نسبت تسهیلات اعطایی برای ازدواج به متوسط درآمد خانوار با احتساب وام ازدواج ۳ میلیون تومانی برای خانوار روستایی از ۷۶,۷ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۸,۶ درصد در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته

است. این روند در همین مدت برای خانوارهای شهری از رقم ۴۵٫۸ درصد به ۱۰٫۸ درصد کاهش یافته است. با این حال، این روند طی سال‌های اخیر (۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸) بهبود یافته است. نسبت تسهیلات اعطایی برای ازدواج به متوسط درآمد خانوار با افزایش وام ازدواج به ۱۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۵ رشد کرده است. همچنین در سال ۱۳۹۶، برای خانوارهای شهری و روستایی به ترتیب ۲۷٫۳ درصد و ۴۹٫۷ درصد و در سال ۱۳۹۷ معادل ۳۴٫۵ درصد و ۶۴٫۳ درصد بوده است. مبلغ پرداختی وام ازدواج در طول زمان تغییر کرده است. این مبلغ تا ۳ ماهه آغازین سال ۱۳۹۵، ۳ میلیون تومان بود؛ ولی در بودجه سال ۱۳۹۵ با پیشنهاد مجلس، مبلغ وام ازدواج ۳ برابر افزایش یافت و به ۱۰ میلیون تومان رسید و دوره بازپرداخت آن از ۳ به ۴ سال تغییر یافت. پراخت وام ۱۰ میلیونی ازدواج به هریک از زوجین در سال ۱۳۹۶ نیز ادامه داشت؛ اما در بودجه سال ۱۳۹۷ با افزایش ۵۰ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۶، به ۱۵ میلیون تومان با دوره بازپرداخت ۵ ساله تعیین شد، ولی کارمزد دریافتی بانکها همچنان ۴ درصد باقی ماند. وام ازدواج جوانان در سال ۱۳۹۸ از ۱۵ میلیون تومان به ۳۰ میلیون تومان برای هریک از زوجین (در مجموع ۶۰ میلیون تومان)، با دوره بازپرداخت ۵ ساله (اقساط ۶۰ ماهه)، افزایش یافته است.

سیاست کلی سوم: اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌های هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادهای و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط

شاخص‌های کلیدی خروجی محور پایش سیاست کلی سوم از این قرار است:

جدول ۳. محورهای فرعی مؤثر بر سنجش سیاست سوم

شاخص	اوزان محورها	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	۰٫۲۵	مثبت	پوشش بیمه‌های هزینه‌های درمانی برای مادران و فرزندان در دوره بارداری و شیردهی
۲	۰٫۲۵	مثبت	پوشش بیمه‌های هزینه‌های زایمان
۳	۰٫۲۵	مثبت	زایمان‌های تحت پوشش به کل ولادت‌ها
۴	۰٫۲۵	مثبت	سهم بیمه پایه و تکمیلی در تأمین هزینه درمان ناباروری

سیاست کلی چهارم: تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصلت کانون خانواده و فرزندپروری با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی

و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی - ایرانی و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری

شاخص‌های کلیدی خروجی محور پایش سیاست چهارم عبارت‌اند از:

جدول ۴. محورهای فرعی مؤثر بر سنجش سیاست چهارم

شاخص	اوزان محورها	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	۰,۲	منفی	نرخ خالص طلاق
۲	۰,۲	منفی	سهم طلاق‌های زیر ۵ سال از ازدواج
۳	۰,۲	منفی	درصد نوزادان متولدشده با وزن کمتر از ۲۵۰۰ گرم
۴	۰,۲	منفی	نرخ مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان
۵	۰,۲	منفی	مرگ‌ومیر مادران

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شاخص اول، نرخ خالص طلاق: برای شاخص نرخ خالص طلاق (نسبت طلاق ثبت‌شده به جمعیت زنان دارای همسر) محاسبات نشان می‌دهد این شاخص در سال ۱۳۸۵ معادل ۵,۶۷ در ۱۰۰۰، سال ۱۳۹۰ معادل ۷,۴۵ در ۱۰۰۰ و بالاخره در سال ۱۳۹۵ معادل ۸,۵۶ در ۱۰۰۰ شده است. لذا در زمینه تحکیم بنیان خانواده و پایداری آن نتایج مورد نظر سیاست‌های چهارده‌گانه تأمین نشده و وضعیت رو به وخامت است. برای شاخص نسبت تعداد طلاق در ۱۰۰۰ خانوار نیز، روند افزایشی از سال ۱۳۷۵ مشاهده می‌شود؛ به طوری که شاخص از ۳,۰۵ در سال ۱۳۷۵ به ۷,۴۸ در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

شاخص دوم، سهم طلاق‌های زیر ۱ و ۵ سال از ازدواج: طبق آمار و اطلاعات سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۹۳ سهم طلاق‌های کمتر از ۱ سال زندگی مشترک از کل طلاق‌های صورت‌گرفته معادل ۱۳,۶ درصد گزارش شده که طی سال‌های پس از ابلاغ سیاست به ترتیب به ۱۲,۵ درصد، ۱۰,۷ درصد، ۹,۷ درصد، ۸,۳ درصد و در سال ۱۳۹۸ به ۷,۲ درصد کاهش یافته است. همچنین در سال ۱۳۹۳ سهم طلاق‌های کمتر از ۵ سال زندگی مشترک از کل طلاق‌های صورت‌گرفته معادل ۴۷,۸ درصد بوده که در سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ به ترتیب ۴۶,۵ درصد، ۴۴,۳ درصد، ۴۱,۵ درصد، ۳۸,۹ درصد و ۳۶,۸ درصد بوده که این

شاخص نیز حکایت از روندی کاهنده دارد.

شاخص سوم، درصد نوزادان متولدشده با وزن کمتر از ۲۵۰۰ گرم: طبق گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، درصد نوزادان متولدشده با وزن کمتر از ۲۵۰۰ گرم در سال ۱۳۹۳ معادل ۶،۸ درصد بوده و پس از سال‌های ابلاغ سیاست (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب ۶،۶ درصد، ۶،۷ درصد، ۶،۵ درصد، ۷،۴ درصد و در سال ۱۳۹۸ معادل ۷،۸ درصد شده است.

شاخص چهارم، نرخ مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان: طبق گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مرگ‌ومیر نوزادان در سال ۱۳۹۳ معادل ۱۰،۳ (به‌ازای هر ۱۰۰۰ تولد زنده) و در دوره ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ به ترتیب ۹،۹، ۹،۶، ۹،۱، ۹،۱ و در سال ۱۳۹۸ معادل ۸،۸ (به‌ازای هر ۱۰۰۰ تولد زنده) بوده که حاکی از روند کاهنده مرگ‌ومیر نوزادان است. در ضمن نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر ۱ سال (به‌ازای ۱۰۰۰ کودک زیر ۱ سال) در سال ۱۳۹۳ معادل ۱۴،۳ بوده که در سال ۱۳۹۸ به ۱۱،۷ کاهش یافته است. همچنین شاخص نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال در سال ۱۳۹۳ معادل ۱۶،۶ بوده که در سال ۱۳۹۸ به ۱۴،۲ کاهش یافته است.

شاخص پنجم، مرگ‌ومیر مادران: طبق گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مرگ‌ومیر مادران (در ۱۰۰۰ نفر) در سال ۱۳۹۳ معادل ۱۸،۹ و در دوره ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ به ترتیب ۲۰، ۱۸،۱، ۲۰ و ۱۷،۷ بوده است.

سیاست کلی پنجم: ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی - ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی

شاخص کلیدی خروجی محور پایش سیاست پنجم عبارت است از:

جدول ۵. محورهای فرعی مؤثر بر سنجش سیاست پنجم

شاخص	اوزان محورها	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	۱	منفی	سهم انواع خانوارها اعم از تک‌نفره، زوجی و هسته‌ای

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شاخص اول، ظهور و توسعه خانوارهای هسته‌ای: نسبت خانوارهای زوجی (فقط سرپرست و همسر) از ۸،۲۷ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۸،۸۸ درصد در سال ۱۳۷۵، ۱۲،۴۴ درصد در سال ۱۳۸۵، ۱۴،۶۴ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۱۶،۲۹ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش داشته است. نسبت خانوارهای هسته‌ای (فقط سرپرست، همسر و فرزندان) از ۶۲،۰۳ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۶۴،۴۰ درصد در سال ۱۳۷۵، ۶۰،۵۸ درصد در سال ۱۳۸۵، ۶۰،۶۳ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۶۳،۳۲

درصد در سال ۱۳۹۵ نوسان داشته است. بیش از ۸۸ درصد خانوارهای کشور در ۱۳۹۵ جزو خانوارهای تک‌نفره، زوجی و هسته‌ای بوده‌اند. این شاخص در سال ۱۳۶۵ حدود ۷۵ درصد بوده است.

سیاست کلی ششم: ارتقای امید زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه اعتیاد، سوانح و آلودگی‌های محیطی و بیماری‌ها

شاخص‌های کلیدی خروجی محور پایش سیاست ششم عبارت‌اند از:

جدول ۶. محورهای فرعی مؤثر بر سنجش سیاست ششم

شاخص	اوزان محورها	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	۰,۱۸	مثبت	امید زندگی در بدو تولد
۲	۰,۱۴	منفی	شاخص دالی (سال‌های زندگی با معلولیت)
۳	۰,۱۸	منفی	درصد جمعیت زیر خط فقر براساس حداقل کالری
۴	۰,۱۴	مثبت	پوشش واکسیناسیون (زیر ۵ سال)
۵	۰,۱۲	منفی	نسبت فوت ناشی از تصادفات رانندگی به جمعیت
۶	۰,۱۲	منفی	نسبت تعداد معتادان به جمعیت
۷	۰,۱۲	منفی	شیوع مصرف انواع مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در جمعیت عمومی

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شاخص اول، امید زندگی در بدو تولد: بررسی روند شاخص امید زندگی طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ م نشان از روند صعودی و رشد مثبت این شاخص دارد؛ به‌طوری که از ۶۳,۸ سال در ۱۹۹۰ م/ ۱۳۶۹ به ۷۶,۲۷ سال در ۲۰۱۷ م/ ۱۳۹۶ رسیده است.

شاخص	۱۹۸۰ (۱۳۵۹)	۱۹۹۰ (۱۳۶۹)	۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	۲۰۱۰ (۱۳۸۹)	۲۰۱۵ (۱۳۹۴)	۲۰۱۷ (۱۳۹۶)
امید زندگی	۵۴,۱	۶۳,۸	۷۰,۱۷	۷۳,۹	۷۵,۷۹	۷۶,۲۷

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

(منبع: سازمان ملل)

شاخص دوم، شاخص دالی (سال‌های زندگی با معلولیت): طبق گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شاخص سال‌های زندگی با معلولیت در سال ۱۳۹۰ معادل ۲۷۷۵۹ در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت بوده که در سال ۱۳۹۳ به ۲۶۵۶۴ در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت رسیده و آخرین اطلاعات منتشرشده برای سال ۱۳۹۶ معادل ۲۴۷۹۷ در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت گزارش شده است.

شاخص سوم، درصد جمعیت زیر خط فقر براساس حداقل کالری و پروتئین: طبق گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در سال ۱۳۹۰، ۱۷،۳ درصد جمعیت زیر خط فقر (براساس حداقل کالری و پروتئین) قرار داشتند که در سال ابلاغ سیاست (سال ۱۳۹۳) این شاخص به ۲۰،۶۹ درصد و طی سال‌های پس از ابلاغ سیاست (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷) به ترتیب ۱۸،۵۵ درصد، ۲۴،۷۸ درصد، ۲۴،۵۳ درصد و ۳۰،۴۲ درصد بوده که حکایت از روندی صعودی است. برای سال ۱۳۹۸ آماری گزارش نشده است.

شاخص چهارم، پوشش واکسیناسیون (زیر ۵ سال): طبق گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، از سال ۱۳۹۰ تا کنون پوشش واکسیناسیون برای کودکان زیر ۵ سال، ۹۹ درصد گزارش شده است.

شاخص پنجم، نسبت فوت ناشی از تصادفات رانندگی به جمعیت: طبق گزارش سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۹۳ نسبت فوت‌های ناشی از تصادفات رانندگی به کل جمعیت معادل ۳،۴ درصد بوده که در سال‌های پس از ابلاغ سیاست (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب ۳،۶ درصد، ۳،۳ درصد، ۳،۱ درصد و ۲،۷ درصد و ۲،۳ درصد شده است.

شاخص ششم، نسبت تعداد معتادان به کل جمعیت: مطابق اعلام ستاد مبارزه با مواد مخدر، تعداد معتادان کشور در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱،۳۲۵،۰۰۰ نفر بوده است. براساس شیوع‌شناسی اعتیاد در سال ۱۳۹۰، در سطح کشور ۵۸ درصد معتادان در گروه سنی ۱۵ تا ۳۴ سال بوده‌اند. این رقم در سال ۱۳۹۵ برابر با ۲،۸۰۸،۰۰۰ نفر (معتاد مستمر) اعلام شده است. به عبارت دیگر، سهم معتادان در جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال کشور در سال ۱۳۹۰ برابر ۲،۵ درصد بوده که در سال ۱۳۹۵ به ۵،۳ درصد رسیده است. لذا آمار نشان‌دهنده دوبرابر شدن شیوع اعتیاد در کشور طی ۵ سال اخیر است.

شاخص هفتم، شیوع مصرف انواع مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در جمعیت عمومی: طبق گزارش ستاد مبارزه با مواد مخدر، در سال ۱۳۹۴ براساس نتایج پیمایش ملی خانوار درمورد شیوع مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در جمعیت عمومی کشور، نرخ شیوع مصرف مواد در جمعیت عمومی ۱۵ تا ۶۴ سال کشور معادل ۵،۳۹ درصد بوده است. با این حال، به دلیل اینکه روند این شاخص از سوی ستاد اعلام نشده، امکان تحلیل روند و پیشرفت یا پس‌رفت شاخص مقدور نیست.

سیاست کلی هفتم: فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و ایجاد شرایط لازم برای تأمین سلامت و نگهداری آنان در خانواده و پیش‌بینی سازوکار لازم برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های مناسب

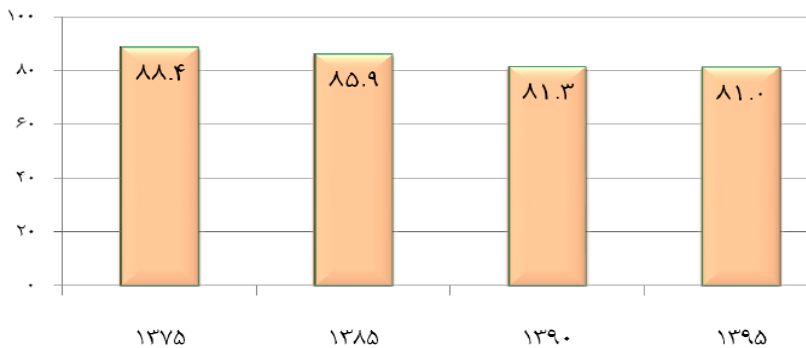
شاخص‌های کلیدی خروجی محور پایش سیاست هفتم عبارت‌اند از:

جدول ۷. محورهای فرعی مؤثر بر سنجش سیاست هفتم

شاخص	اوزان محورها	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	۰,۲	مثبت	درصدی از سالمندان که به‌همراه خانواده زندگی می‌کنند
۲	۰,۲	مثبت	امید زندگی (۶۵ سال به بالا)
۳	۰,۲	مثبت	بار تکفل (نسبت وابستگی) سالمندان
۴	۰,۲	منفی	سهم جمعیت سالمندان زیر خط فقر براساس کالری
۵	۰,۲	مثبت	کفایت مزایای بازنشستگی

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شاخص اول، درصدی از سالمندان که به‌همراه خانواده زندگی می‌کنند: همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، روند شاخص درصدی از سالمندان که به‌همراه خانواده زندگی می‌کنند، طی مقاطع پنج‌ساله (۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵) کاهش یافته است.



ماخذ: مرکز آمار ایران، دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

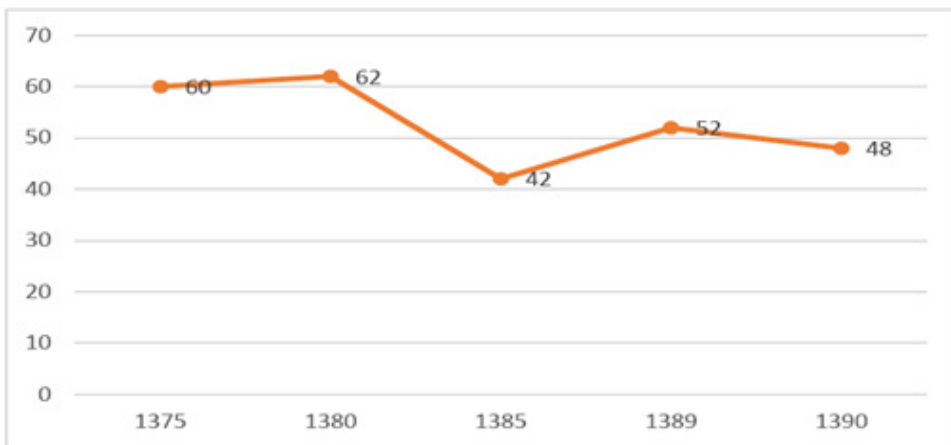
شکل ۱. درصدی از سالمندان که به‌همراه خانواده زندگی می‌کنند

(منبع: مرکز آمار ایران، دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری، ۱۳۹۵)

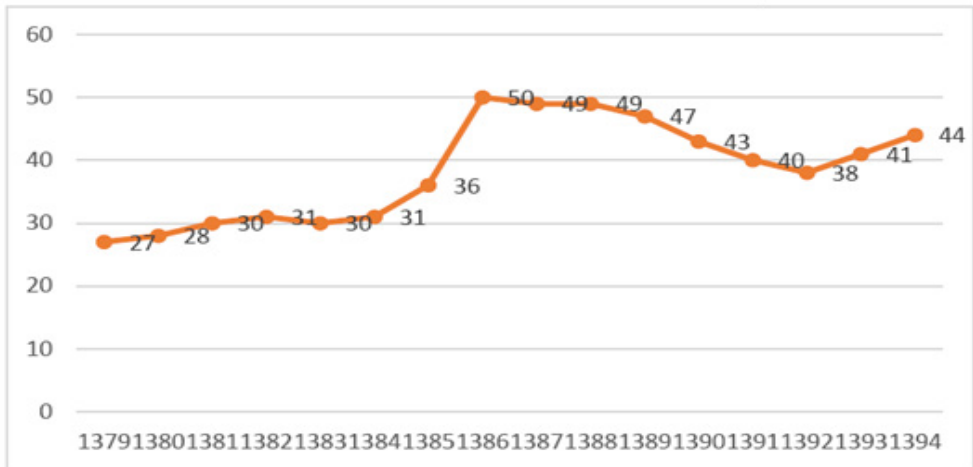
شاخص دوم، امید زندگی سالمندان (بالای ۶۰ و ۶۵ سال): طبق سرشماری مرکز آمار، شاخص امید زندگی سالمندان بالای ۶۰ سال در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۸،۲۵ بوده که در سال ۱۳۹۵ به ۱۸،۷۶ سال افزایش یافته است. در ضمن شاخص امید زندگی سالمندان بالای ۶۵ سال در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۴،۵۶ سال بوده که در سال ۱۳۹۵ به ۱۴،۹۷ سال رسیده است. شاخص سوم: بار تکفل (نسبت وابستگی) سالمندان: طبق استعلام از سازمان برنامه و بودجه، گزارش آماری مستند از سوی سازمان متبوع اعلام نشد.

شاخص چهارم، سهم جمعیت سالمندان زیر خط فقر براساس کالری و پروتئین: طبق نظر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۸،۰۹ درصد جمعیت سالمندان کشور زیر خط فقر بوده‌اند که در سال ۱۳۹۳ این شاخص به ۲۲،۴۲ درصد و پس از سال‌های ابلغ سیاست (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷) به ترتیب ۲۰،۸ درصد، ۲۵،۹۶ درصد، ۲۳،۹۶ درصد و در سال ۱۳۹۷ معادل ۲۹،۶۵ درصد بوده است که روندی صعودی را نشان می‌دهد.

شاخص پنجم، کفایت مزایای بازنشستگی: برای بررسی میزان کفایت پرداختی‌ها به بازنشستگان استفاده از چند شاخص مرسوم است. شاخصی که در ایران استفاده می‌شود، نسبت میانگین مستمری بازنشستگی به متوسط هزینه خانوار است. با توجه به تعدد صندوق‌های بازنشستگی کشور (حدود ۲۲ صندوق) و اندازه‌های مختلف آن‌ها، در نمودارهای زیر روند شاخص یادشده در دو صندوق بزرگ بازنشستگی کشور، یعنی سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بازنشستگی کشوری، ارائه شده است.



شکل ۲. کفایت مزایای بازنشستگی در سازمان تأمین اجتماعی



فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شکل ۳. کفایت مزایای بازنشستگی در سازمان بازنشستگی کشور

همان‌طور که در نمودارها مشاهده می‌شود، میزان این شاخص هیچ‌گاه وضعیت کاملاً مطلوبی نداشته و در سال‌های اخیر نیز مقدار آن حدود ۵۰ درصد بوده است. این موضوع به این معناست که بازنشستگان می‌توانند صرفاً نیمی از هزینه‌های زندگی خود را از طریق مستمری‌شان تأمین کنند.

سیاست کلی هشتم: توانمندسازی جمعیت در سن کار با فرهنگ‌سازی و اصلاح، تقویت و سازگار کردن نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی و حرفه‌ای و تخصصی با نیازهای جامعه و استعدادها و علایق آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد شاخص‌های کلیدی خروجی محور پایش سیاست هشتم به این شرح است:

جدول ۸. محورهای فرعی مؤثر بر سنجش سیاست هشتم

شاخص	اوزان محورها	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	۰,۲۵	منفی	نرخ بیکاری جوانان
۲	۰,۲۵	منفی	نرخ بیکاری دانش‌آموختگان
۳	۰,۲۵	مثبت	مشارکت اقتصادی جوانان
۴	۰,۲۵	مثبت	سهم دانش‌آموزان رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش از کل دانش‌آموزان

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شاخص اول، نرخ بیکاری جوانان: نرخ بیکاری جوانان در سال ۱۳۹۰ معادل ۲۶,۵ درصد و در سال ابلاغ سیاست‌های کلی (سال ۱۳۹۳) معادل ۲۵,۲ درصد و پس از ابلاغ سیاست‌ها (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب ۲۶,۱ درصد، ۲۹,۲ درصد، ۳۱,۹ درصد، ۲۷,۷ درصد و در سال ۱۳۹۸ معادل ۲۶ درصد شده است. روند شاخص نشان‌دهنده بهبودی در وضعیت نرخ بیکاری جوانان پس از ابلاغ سیاست‌ها نیست.

شاخص دوم، نرخ بیکاری دانش‌آموختگان: نرخ بیکاری دانش‌آموختگان در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۹,۵ درصد و در سال ابلاغ سیاست‌های کلی (سال ۱۳۹۳) معادل ۱۸,۵ درصد و پس از ابلاغ سیاست‌ها (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب ۱۸,۳ درصد، ۲۰ درصد، ۱۹,۱ درصد، ۱۸,۱ درصد و در سال ۱۳۹۸ معادل ۱۶,۷ درصد شده است. روند شاخص حکایت از بهبود ملموس وضعیت نرخ بیکاری دانش‌آموختگان پس از ابلاغ سیاست‌ها ندارد.

شاخص سوم، نرخ مشارکت اقتصادی جوانان: نرخ مشارکت اقتصادی جوانان در سال ۱۳۹۰ معادل ۲۷,۲ درصد و در سال ابلاغ سیاست‌های کلی (سال ۱۳۹۳) معادل ۲۴,۶ درصد و پس از ابلاغ سیاست‌ها (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب ۲۵,۱ درصد، ۲۶,۶ درصد، ۲۷,۳ درصد و در سال ۱۳۹۸ معادل ۲۶,۲ درصد بوده است. روند شاخص تا حدودی نشانگر افزایش مشارکت اقتصادی جوانان است.

شاخص چهارم، درصد دانش‌آموزان رشته فنی و حرفه‌ای و کار و دانش (مهارت‌آموزی) از کل دانش‌آموزان: طبق آمار و اطلاعات وزارت آموزش و پرورش، در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱، معادل ۳۶,۹ درصد دانش‌آموزان در رشته‌های فنی و حرفه‌ای (مهارت‌آموزی) تحصیل کرده بودند. در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴، این درصد به ۳۸,۸ رسیده و پس از ابلاغ سیاست‌های کلی به ترتیب ۳۷,۸ درصد (سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵)، ۳۵,۳ درصد (سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶)، ۳۴,۸ درصد (سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷)، ۳۴,۶ درصد (سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸) و ۳۵ درصد (سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹) بوده است. روند این شاخص تغییر ملموس و جهت‌گیری به سمت تقویت رشته‌های مهارت‌آموزی را نشان نمی‌دهد.

سیاست کلی نهم: بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت متناسب با ظرفیت زیستی با تأکید بر تأمین آب با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیتی

شاخص‌های کلیدی خروجی محور پایش سیاست‌های نهم عبارت‌اند از:

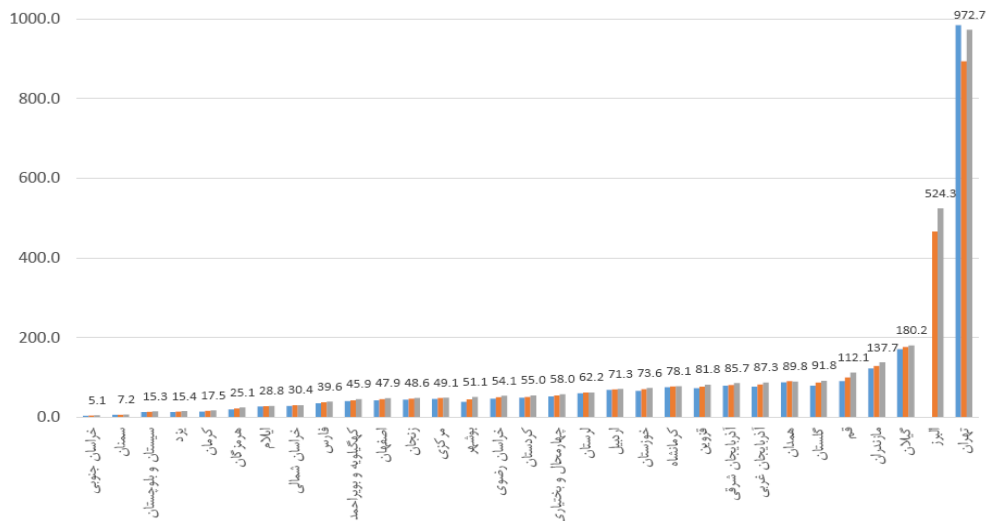
جدول ۹. محورهای فرعی مؤثر بر سنجش سیاست نهم

شاخص	اوزان محورها	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	۰,۵	مثبت	تراکم جمعیت
۲	۰,۵	مثبت	تقارن توزیع جمعیت در کشور

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شاخص اول: تراکم جمعیتی (نفر در کیلومتر مربع): طبق آمار و اطلاعات مرکز آمار کشور، تراکم جمعیت در کشور در سال ۱۳۹۰ معادل ۴۶ نفر در کیلومتر مربع بوده و در سال ۱۳۹۳ (سال ابلاغ سیاست کلی) به ۴۷,۶۷ نفر در کیلومتر مربع افزایش یافته است. طی سال‌های پس از ابلاغ سیاست (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) شاهد روند افزایشی تراکم جمعیت به ترتیب به ۴۸,۲۷، ۴۹، ۴۹,۶، ۵۰,۲ و در سال ۱۳۹۸ به ۵۰,۸ نفر در کیلومتر مربع بوده‌ایم.

چالش بعدی در تراکم جمعیت، تفاوت معنادار در تراکم جمعیت بین استان‌های کشور است؛ به طوری که اختلاف معناداری بین استان‌های تهران و البرز با استان‌های رده‌های بعدی مشاهده می‌شود (شکل ۴).

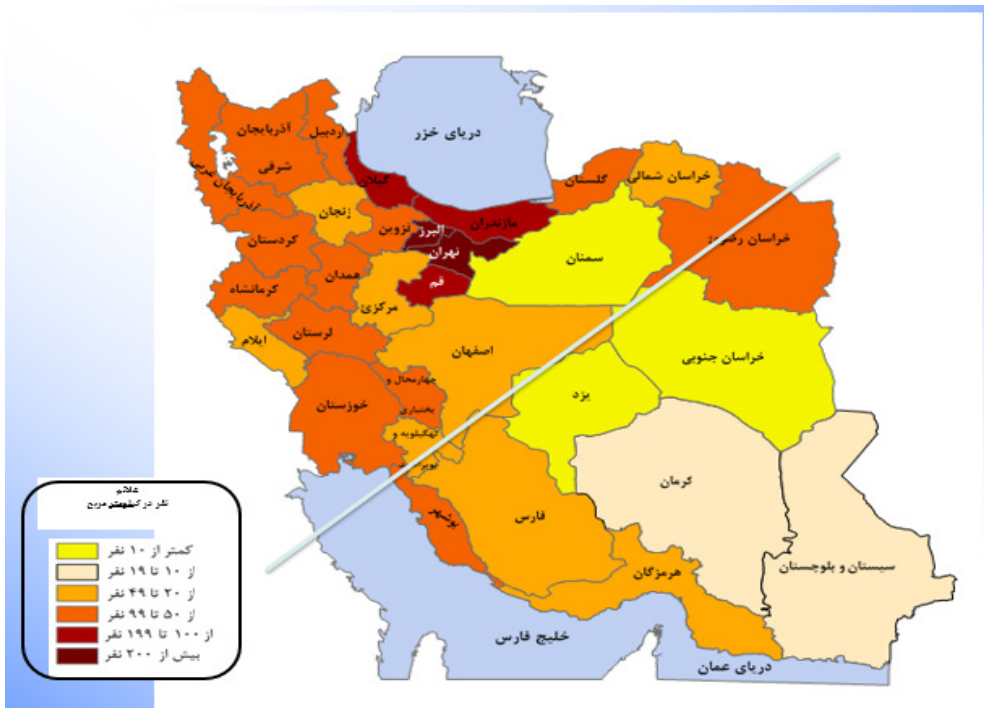


فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شکل ۴. تراکم جمعیتی (نفر در کیلومتر مربع)

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

شاخص دوم: تقارن توزیع جمعیت در کشور: طبق آمار و اطلاعات ارسال شده از سازمان برنامه و بودجه کشور، در سال ۱۳۹۰، ۱۴۹،۰ درصد (۱۱،۱۶۶،۶۶۲ نفر) در نیمه شرقی کشور و ۰،۸۵۱ درصد (۶۳،۹۰۳،۹۶۰ نفر) در نیمه غربی کشور سکونت داشته‌اند. در سرشماری سال ۱۳۹۵، وضعیت بدین‌گونه شده که ۰،۱۵۲ درصد جمعیت کشور (۱۲،۱۳۱،۷۹۲ نفر) در نیمه شرقی و ۰،۸۴۸ درصد جمعیت (۶۷،۵۲۰،۹۲۵ نفر) در نیمه غربی سکونت داشته‌اند. طبق آمار فوق، کشور درگیر توزیع نامتقارن جمعیت است و جهت‌گیری برای رفع این چالش هنوز مشاهده نمی‌گردد.



شکل ۵. تراکم جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵

(منبع: مرکز آمار ایران)

سیاست کلی دهم: حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم‌تراکم و ایجاد مراکز جدید جمعیتی به‌ویژه در جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان از طریق توسعه شبکه‌های زیربنایی، حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای کسب‌وکار با درآمد کافی

شاخص‌های کلیدی خروجی محور پایش سیاست‌های دهم از این قرار است:

جدول ۱۰. محورهای فرعی مؤثر بر سنجش سیاست دهم

شاخص	اوزان محورها	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	۰,۵	مثبت	تراز مهاجرتی جمعیت روستایی
۲	۰,۵	مثبت	سهم جمعیت مناطق نُه‌گانه آمایش سرزمین از کل جمعیت

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شاخص اول، تراز مهاجرتی جمعیت روستایی: طبق گزارش مرکز آمار کشور، سهم جمعیت روستایی از کل جمعیت کشور در سال ۱۳۹۰ معادل ۲۸,۵ درصد بوده و در سال ۱۳۹۳ به ۲۶,۶ درصد کاهش یافته است. در سال‌های پس از ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب به ۲۶,۳ درصد، ۲۷,۵ درصد، ۲۵,۶ درصد، ۲۵,۳ درصد و بالاخره به ۲۴,۹ درصد رسیده که حکایت از کاهش تدریجی سهم جمعیت روستایی از کل جمعیت کشور دارد.

شاخص دوم، سهم جمعیت مناطق نُه‌گانه آمایش سرزمین از کل جمعیت: در سال ۱۳۹۵ جمعیت و سهم مناطق نُه‌گانه به این ترتیب بوده است: منطقه یک ۸,۳۸۵,۴۵۷ (۱۰,۳۹ درصد)، منطقه دو ۱۰,۰۴۸,۳۰۲ (۱۲,۴۵ درصد)، منطقه سه ۶,۷۸۳,۰۸۳ (۸,۴ درصد)، منطقه چهار ۱۰,۷۷۹,۱۲۲ (۱۳,۳۶ درصد)، منطقه پنج ۶,۷۲۷,۷۲۶ (۸,۳ درصد)، منطقه شش ۱۷,۲۷۲,۳۲۰ (۲۱,۴ درصد)، منطقه هفت ۳,۷۶۰,۶۹۷ (۴,۷ درصد)، منطقه هشت ۸,۸۵۴,۶۸۰ (۱۰,۹ درصد) و منطقه نُه ۸,۰۶۶,۴۹۱ (۱۰ درصد) شده است. در ضمن با مقایسه مقطع ۱۳۹۵ با ۱۳۹۰ تغییر روند و جهت‌گیری مشاهده نمی‌شود و منطقه شش بالاترین (۲۱,۴ درصد در سال ۱۳۹۵) و منطقه هفت پایین‌ترین سهم جمعیت (۴,۷ درصد در سال ۱۳۹۵) را در بین مناطق نُه‌گانه به خود اختصاص داده‌اند.

سیاست کلی یازدهم: مدیریت مهاجرت به داخل و خارج هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت با تدوین و اجرای سازوکارهای مناسب

شاخص‌های کلیدی خروجی محور پایش سیاست‌های یازدهم عبارت‌اند از:

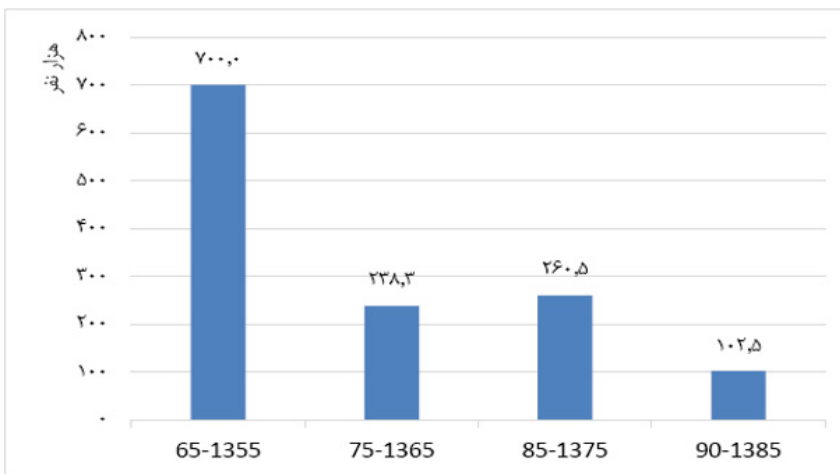
جدول ۱۱. محورهای فرعی مؤثر بر سنجش سیاست یازدهم

شاخص	اوزان محورها	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	۰,۳	مثبت	میزان مهاجرت سالیانه به داخل کشور
۲	۰,۳	منفی	میزان مهاجرت سالیانه به خارج کشور
	۰,۳	منفی	تراز مهاجرتی

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شاخص اول، میزان مهاجرت سالیانه به داخل کشور: طبق گزارش آماری وزارت کشور، میزان مهاجرت سالیانه به داخل کشور طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ معادل ۱۰۲۵۱۹ نفر و در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ معادل ۱۱۰۸۲۹ نفر بوده است.

نمودار زیر میزان مهاجرت به داخل کشور را در دوره‌های ده‌ساله، بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵، و دوره پنج‌ساله، بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میزان ورود مهاجران در این دوره به‌طور کلی کاهش یافته است.



شکل ۶. میزان مهاجرت به داخل کشور

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶)

شاخص دوم، میزان مهاجرت سالیانه به خارج کشور: طبق اعلام نظر وزارت کشور، از میزان مهاجرت به خارج از کشور در منابع رسمی آماری کشور ثبت نمی‌گردد؛ لذا باید برای این نقصان چاره‌های اندیشیده شود.

شاخص سوم، تراز مهاجرتی: طبق گزارش وزارت کشور، به استناد آمارهای بانک جهانی، خالص مهاجرت به داخل کشور در سال ۲۰۱۲ م/ ۱۳۹۱، معادل ۵۰۲۳۴۵- نفر بوده و در سال ۲۰۱۷ م/ ۱۳۹۶، ۲۷۴۹۹۸- نفر اعلام شده است. علی‌رغم کاهش تراز مهاجرتی کشور در مقایسه با دو مقطع ذکرشده، منفی بودن تراز مهاجرتی خود گویای این است که باید اقداماتی به‌منظور کنترل مهاجرت به خارج از کشور صورت گیرد.

شایان ذکر است برای سیاست‌های ۱۲ تا ۱۴ آمار و اطلاعات رسمی به صورت سری زمانی طی دوره ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ وجود نداشت و امکان ارزیابی مقدور نبود.

۵. ساخت شاخص ترکیبی و تحلیل نتایج

برای ساخت شاخص ترکیبی جمعیت و سنجش وضعیت اجرا و تحقق اهداف آن گام‌های زیر طی شد:

در گام اول، با توجه به اهداف کلان سیاست‌های کلی جمعیت، نظرسنجی از صاحب‌نظران جمعیت‌شناسی و اقتصادی و نیز ادبیات نظری و مطالعات تجربی، محورهای فرعی (شاخص‌های پایش خروجی محور) تعیین شد. شایان ذکر است برای نظرسنجی در خصوص انتخاب محورها، پرسش‌نامه‌ای طراحی و نظر ۳۰ صاحب‌نظر مسائل جمعیت‌شناسی و اقتصادی اخذ شد. اهمیت محورها با مقیاس طیف لیکرت (از خیلی زیاد = امتیاز ۵ تا خیلی کم = امتیاز ۱) از دید هر صاحب‌نظر مشخص گردید. سپس روایی و پایایی پرسش‌نامه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ آزمون گردید. ضریب اعتبار ۰,۹۴، نشانگر همسانی و ثبات درونی پرسش‌نامه و سؤالات بود. در نتیجه ۷۰ محور فرعی (شاخص کلیدی خروجی محور) ذیل این ۱۱ سیاست انتخاب شد.

گام دوم هم‌جهت کردن متغیرها — محورهای فرعی — بود. متغیرهایی که با اهداف سیاست‌های جمعیت رابطه منفی داشتند، برای هم‌جهت شدن عکس شدند.

گام سوم تعیین اوزان محورهای فرعی بود. به منظور تجمیع محورهای فرعی و محاسبه محورهای اصلی لازم بود اوزان مؤلفه‌های فرعی ذیل هر محور اصلی تعیین گردد. برای این منظور از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده شد (قدسی‌پور، ۱۳۸۱)؛ بدین صورت که ابتدا براساس نظرسنجی از صاحب‌نظران و طبق جدول زیر، محورهای فرعی به شکل زوجی و دوبه‌دو با هم مقایسه و طبق مقیاس پنج‌تایی امتیازبندی شد. مقایسه‌های زوجی در یک ماتریس $n \times n$ ثبت گردید و سپس برای محاسبه ضریب اهمیت محورهای فرعی، ابتدا میانگین هندسی سطرهای ماتریس به دست آمد و در نهایت نرمال شد تا وزن‌های نرمال شده حاصل گردد.

امتیاز	تعریف	میزان اهمیت در تحقق هدف
۱	اهمیت مساوی	اهمیت دو محور فرعی مساوی است.
۲	اهمیت اندکی بیشتر	اهمیت محور فرعی ۱ اندکی بیش از ۲ است.
۳	اهمیت بیشتر	اهمیت محور فرعی ۱ بیشتر از ۲ است.
۴	اهمیت خیلی بیشتر	اهمیت محور فرعی ۱ خیلی بیشتر از ۲ است.
۵	اهمیت مطلق	اهمیت خیلی بیشتر ۱ نسبت به ۲ بطور قطعی، به اثبات رسیده است.

گام چهارم نرمال‌سازی متغیرها بود. تمامی متغیرها طی فرایند نرمال‌سازی با روش زیر به مجموعه جدیدی تبدیل می‌شوند که در آن، همه مقادیر بین صفر و یک قرار دارند. در این حالت می‌توان مقادیر تمامی متغیرها را با هم مقایسه کرد.

$$Z_i = \frac{x_i - x_{min}}{x_{max} - x_{min}}$$

گام پنجم محاسبه میانگین حسابی وزنی محورهای فرعی برای به‌دست آوردن محورهای اصلی و سپس میانگین‌گیری حسابی ۱۱ سیاست (محور اصلی) برای محاسبه شاخص ترکیبی کل طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ بود. نتایج نهایی در جدول زیر آمده است.

جدول ۱۲. شاخص ترکیبی به تفکیک ۱۱ سیاست جمعیت و شاخص کل ترکیبی سنجش سیاست‌های کلی جمعیت طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸

شاخص‌ها و دوره زمانی	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
سیاست اول	۰.۶۲	۰.۶۴	۰.۶۷	۰.۶۹	۰.۷۱	۰.۷۲	۰.۷	۰.۶۷	۰.۶۶
سیاست دوم	۰.۷۲	۰.۷	۰.۶۷	۰.۶۵	۰.۶۱	۰.۶۱	۰.۶	۰.۵۷	۰.۵۴
سیاست سوم	۰.۳۸	۰.۳۹	۰.۳۹	۰.۳۹	۰.۳۹۵	۰.۴	۰.۴۱	۰.۴۰۵	۴۱.۰
سیاست چهارم	۰.۴۶	۰.۴۷	۰.۴۸	۰.۴۹	۰.۴۸	۰.۴۹	۰.۴۹	۰.۵	۰.۵۱
سیاست پنجم	۰.۵۴	۰.۵۱	۰.۵	۰.۴۹	۰.۴۶	۰.۴۳	۰.۴۱	۰.۳۹	۳۸.۰
سیاست ششم	۰.۷۱	۰.۷	۰.۷۳	۰.۷۲	۰.۷۱	۰.۶۹	۰.۷۱	۰.۷۲	۰.۷۱
سیاست هفتم	۰.۷۷	۰.۷۷	۰.۷۶	۰.۷۴	۰.۷۵	۰.۷۲	۰.۷	۰.۶۸	۶۷.۰
سیاست هشتم	۰.۶۵	۰.۶۳	۰.۶۲	۰.۶۳	۰.۵۸	۰.۵۸	۰.۵۹	۰.۵۸	۰.۵۷
سیاست نهم	۰.۶	۰.۵۷	۰.۵۶	۰.۵	۰.۵۲	۰.۵۱	۰.۴۷	۰.۴۶	۰.۴۵
سیاست دهم	۰.۶۱	۰.۶	۰.۶	۰.۵۶	۰.۵۳	۰.۵۵	۰.۴۹	۰.۴۶	۰.۴۴
سیاست یازدهم	۰.۴۱	۰.۴۲	۰.۴۴	۰.۴۳	۰.۴۲	۰.۴۱	۰.۴۲	۰.۴۱	۰.۴۱
شاخص ترکیبی کل سنجش سیاست‌های جمعیت	۰.۵۸۸	۰.۵۸۲	۰.۵۸۴	۰.۵۷۲	۰.۵۶	۰.۵۵۵	۰.۵۴۵	۰.۵۳۱	۰.۵۲۳

(منبع: محاسبات تحقیق)

بر مبنای ارقام محاسبه‌شده و یافته‌های تحقیق در **جدول ۱۲** باید گفت:

۱. روند شاخص ترکیبی برای سیاست‌های دوم، پنجم و هفتم تا دهم کاهش یافته و حکایت از عدم تحقق اهداف سیاست‌های مزبور دارد.
۲. روند شاخص ترکیبی برای سیاست‌های سوم و چهارم افزایشی و حاکی از اثربخشی اقدامات در جهت تحقق اهداف کلان این سیاست‌هاست.
۳. روند شاخص ترکیبی برای سیاست‌های اول، ششم و یازدهم نوسانی و بدون تغییرات ملموس است.
۴. در مجموع شاخص ترکیبی کل سنجش وضعیت اجرای سیاست‌های کلی جمعیت کاهش یافته و بیانگر عدم تحقق اهداف سیاست‌های کلی جمعیت است.

۶. نتیجه‌گیری

تحلیل روند و اهداف سیاست‌های جمعیتی در کشور حکایت از آن دارد که در دهه ۶۰، کشور شاهد نرخ رشد و نرخ باروری کل چشمگیری بوده؛ به طوری که نرخ باروری کل کشور در سال ۱۳۶۵ معادل ۷،۱ و نرخ رشد جمعیت معادل ۳،۹ درصد بوده است. با این حال، سرشماری در دهه‌های بعدی روندی کاهنده و نگران‌کننده را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که نرخ باروری کل کشور به ۲،۹۶ در سال ۱۳۷۵، ۱،۹ در سال ۱۳۸۵ و ۱،۸۷ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته و در سال ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (سال ۱۳۹۳) نرخ باروری کل ۲،۰۳ بوده و در سال‌های پس از ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) به ترتیب به ۲،۰۹، ۲،۱۱، ۲،۱ و ۲،۲ در سال ۱۳۹۸ به ۱،۸ تنزل یافته است. نرخ رشد جمعیت نیز در سال ۱۳۷۵ معادل ۱،۹ درصد، در سال ۱۳۸۵ معادل ۱،۶ درصد، در سال ۱۳۹۰ معادل ۱،۳ درصد و در سال ۱۳۹۵ معادل ۱،۲۴ درصد بوده که نشان از روندی کاهنده در نرخ رشد جمعیت دارد. این افت شاخص‌های جمعیت بسیار نگران‌کننده و هشدار جدی برای سال‌های آینده است.

در این راستا و برای مقابله با چالش جمعیت، سیاست‌های کلی جمعیت در اردیبهشت ۱۳۹۳ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلی نظام در قالب ۱۴ بند از سوی رهبر انقلاب ابلاغ گردید. در این سیاست‌های کلی، از یک سو بر پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به‌عنوان فرصت و امتیاز تأکید و تصریح شده که عامل جمعیت‌داری نقش اجباری در پیشرفت کشور است. از سوی دیگر بر جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری سال‌های گذشته تأکید شده است.

هدف مقاله حاضر ارزیابی وضعیت اجرای سیاست‌های کلی جمعیت بر اساس ساخت شاخص ترکیبی بود. لذا از روش‌شناسی ساخت شاخص‌های ترکیبی بهره گرفته و روند اجرای سیاست مزبور طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ سنجش شد. بر مبنای ارقام محاسبه‌شده و یافته‌های تحقیق:

۱. روند شاخص ترکیبی برای سیاست‌های دوم، پنجم و هفتم تا دهم کاهنده بوده و حکایت از عدم تحقق اهداف سیاست‌های مزبور دارد.
۲. روند شاخص ترکیبی برای سیاست‌های سوم و چهارم افزایشی و حاکی از اثربخشی اقدامات در جهت تحقق اهداف کلان این سیاست‌هاست.
۳. روند شاخص ترکیبی برای سیاست‌های اول، ششم و یازدهم نوسانی و بدون تغییرات ملموس است.
۴. در مجموع شاخص ترکیبی کل سنجش وضعیت اجرای سیاست‌های کلی جمعیت کاهنده و بیانگر عدم تحقق اهداف سیاست‌های کلی جمعیت است.

نظر به اینکه اهداف کلان بسیاری از سیاست‌های کلی جمعیت یا محقق نشده یا بدون تغییر قابل قبول طی دوره زمانی مزبور مانده، ضرورت دارد برنامه‌ریزی و اقدامات عاجل در جهت تحقق اهداف سیاست‌های یادشده صورت پذیرد. تقویت نظام فرهنگی و گفتمان‌سازی در راستای سیاست‌های جمعیت و خانواده با رویکرد جوان‌سازی جمعیت، اصلاح سیاست‌های حاکم بر تولید فیلم، انیمیشن و بازی‌های رایانه‌ای در جهت تشویق فرزندآوری و استحکام خانواده‌ها و تبیین خطرات و آگاه‌سازی عمومی از تبعات منفی مؤلفه‌های تفرّد، تنهایی، تک‌فرزندی، زندگی‌های مجازی، طلاق و اعتیاد، افزایش نقش رسانه در مقابله جدی با جریان فرهنگی که در جهت تضعیف ارزش‌های خانواده و فرزندآوری و تحمیل آسیب‌های جدی، پنهان و عمیق به فرهنگ جامعه است، در کنار افزایش و تخصیص تسهیلات و اعتبارات و منابع مالی لازم برای حمایت از فرزندآوری و ازدواج جوانان می‌تواند در تسریع تحقق اهداف این سیاست‌ها اثرگذار باشد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

References

- A report on economic research. Deputy of economic research in the strategic office in No. 34, 40, 25, from 2006 to 2014. (Persian)
- Ahmadi, A., & Shaghaghi Shahri, V. (2008). *Economic development and planning*. Tehran: Nour Elm Publication. (Persian)
- Bandura, R. (2014). *A Survey of Composite Indices Measuring Country Performance*. 2014 Update. New York: UNDP/ODS Working Papers.
- Danesh Jafari, D., & Shaghaghi Shahri, V. (2014). *Iran's economy in the 1404 prospect*. Tehran: Nour Elm Publication. (Persian)
- Deputy of supervision in Expediency Council. (2004). *Supervision indexes: designing indexes for supervising the macro policies*. (Persian)
- Handbook on Constructing Composite Indicators: Methodology and user guide (2014). OECD.
- Ghodsipour, H. (2001). *Hierarchical analysis*. Tehran: Amirkabir University Press. (Persian)
- Nili, M., Dargahi, H., Kordbache, M., & Nili, F. (2012). *Government and economic development in Iran*. Tehran: Ney Publication. (Persian)
- Organization for Economic Cooperation and Development (OECD) Official Website: <https://www.oecd.org>.
- Rezaee Mirghaed, M., & Mobayeni Dehkordi, A. (2006). *Iran's future in the prospect document*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publication. (Persian)
- World Bank (WB) Official Website: <http://worldbank.org>.
- World Development Indicators Database, World Bank, 2015 Website: <http://databank.worldbank.org>.